

همواج

ویژه الفبا و دستور خط تالشی

مصوب گروهی از پژوهشگران تالش

به کوشش:

دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله

استاد دانشگاه نیلا

آذرماه ۱۳۹۶



نمونه ایلیا

سرشناسنامه: رضایتی کیشه‌خاله، محرم ۱۳۴۰:
عنوان و پدیدآور: همواج؛ ویژه القبا و دستور خط تالشی / مصوب گروهی از پژوهشگران تالشی؛

[حوزه هنری گیلان]

به کوشش محرم رضایتی کیشه‌خاله

مشخصات نشر: رشته فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

شابک: ۷-۶۰۸-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸

موضوع: تالشی- زبان- رسم‌الخط و املا

موضوع: تالشی- واج‌شناسی

موضوع: تالشی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ عر ۷۲/ت ۳۳۲۲/ PIR

رده‌بندی دیویی: ۳/۳۹۱ فا ۴

شماره کتابخانه ملی: ۵۴۵۵۹۵۶



فرهنگ ایلیا

• همواج؛ ویژه القبا و دستور خط تالشی

• به کوشش: دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله

• چاپ نخست: ۱۳۹۷ • شمارگان: هزار نسخه • شماره نشر: ۷۱۳

• نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا

• همه حقوق این کتاب محفوظ است.

• شابک: ۷-۶۰۸-۱۹۰-۹۶۴-۹۷۸

• نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشته خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشت، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹

• تلفن: ۳۳۳۳۳۳۳۳ ۳۳۳۳۳۳۳۳-۱۳ • دورنگار: ۱۳۲۱۸۲۸-۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhang-e-ilia.ir

صفحه	فهرست مطالب
۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۹	حروف الفبای تالشی
۲۵	شیونامه نگارش تالشی
۳۳	پیوست‌ها (داستانک‌ها)
۳۷	مقاله‌ها
۶۱	داستان‌ها
۷۱	خاطره‌ها
۹۳	ترجمه متن
۹۷	اشعار تالشی
۱۱۵	عکس‌ها
1-27	ترجمه انگلیسی همواج؛ الفبا و دستور خط تالشی

یادداشت حوزه هنری گیلان

یکی از مشکلات زبان‌ها و گویش‌های محلی، نداشتن رسم‌الخط ویژه و استفاده از حروف الفبای فارسی معیار برای مکتوب کردن آنها است. تنجیه و آکسان‌های موجود در زبان‌های محلی، گاه چنان خاص است که نمی‌توان با رسم‌الخط زبان فارسی آن را مکتوب کرد. نبود رسم‌الخط مناسب گویش‌ها و زبان‌های محلی سبب شده است که بسیاری از آثار ادبی - هنری و پژوهشی در صورت انتشار نیز به‌سختی قابل خواندن باشند؛ از این جهت که درلا نبودن مکتوب این آثار با خط فارسی معیار، برای خواننده عادی نیست؛ ثانیاً برخی از اشکال ملفوظ زبان محلی، فاقد نشانه نوشتاری در زبان معیار و رسمی است.

«همواج» تلاش گروهی از پژوهشگران آکادمیک و تجربی برای سامان بخشیدن به الفبا و دستور خط تالشی است. علاقه‌مندان تدوین چنین الگویی، خود ضرورت این مهم را درک و لمس کرده و اکنون برای صورت‌بندی زبان خود به اجماع رسیده‌اند. کوشش دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله و پژوهشگران همکار او در سامان‌بخشی همواج قابل تقدیر است. این اثر اولین نمونه تبیین حروف الفبا و دستور خط برای یک زبان بومی در این منطقه است؛ و البته می‌تواند الگویی برای دیگر زبان‌های محلی باشد. حوزه هنری گیلان، ضمن ارج نهادن به تلاش نویسندگان محترم، از مشارکت پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، در به ثمر رسیدن این اثر سپاسگزاری می‌نماید و این کتاب را به علاقه‌مندان زبان و فرهنگ تالشی تقدیم می‌کند.

سرپرست گروه همواج:
دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله

همکاران ویژه:

دکتر جهان‌دوست سبزلعلی‌پور؛ دکتر فرزاد بختیاری مرکیه؛ دکتر علی نصرتی سیاهمزیگی

اعضای کارگروه تخصصی:

دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله؛ دکتر جهان‌دوست سبزلعلی‌پور؛ دکتر فرزاد بختیاری مرکیه؛ دکتر علی نصرتی سیاهمزیگی؛ دکتر فرهاد رجبی؛ کیومرث خانبابا‌زاده؛ شهرام آزموده؛ علی نصرتی سیاهمزیگی

اعضای گروه همواج: دکتر احسان شفیقی عنبران؛ دکتر سیدهاشم موسوی؛ دکتر پارسا یعقوبی جنبه‌سرایبی؛ دکتر علی رفیعی جیردهی؛ دکتر احمدرضا نظری؛ ابراهیم خادمی ارده؛ علی ماسالی؛ رمضان نیک‌نهاد؛ آرمین فریدی هفت‌خوانی؛ جواد معراجی لرد؛ عبدالکریم اصولی تالش؛ پیمان خدایی؛ یاسر کرم‌زاده؛ نقی مهری‌پویا؛ محمدحسین شمسایی؛ بهرام احمدی؛ ولی قنبرزاده؛ بهمن مؤذن‌زاده؛ فردوس گلپور لاسکی؛ محمدرضا فدایی؛ نجات شعبانی؛ شهرام نعمتی؛ زلیخا صبا؛ مینو امیر اردجان؛ مریم پورشفقی؛ رؤیا کمالی عنبران؛ خرم هاشمی

ویراستار فارسی: دکتر علی نصرتی سیاهمزیگی

مقدمه

نسخه اولیه «همواج» با عنوان «الفبا و دستور خط تالشی و تاتی»، در نیمه دوم خرداد ۱۳۹۶ در فضای مجازی به نشر رسید. این فایل با وجود برخی اشکالات ویرایشی و احیاناً فنی، با استقبال کم‌نظیر محافل نویسندگان، شاعران و فرهنگیان تالشی‌زبان مواجه شد، چنانکه بسیاری از نویسندگان اعلام کردند که این پس، آثار تالشی خود را براساس همین الفبا و شیوه نگارش آن تنظیم و منتشر خواهند کرد.

در کنار تحسین بلیغ بسیاری از پژوهشگران مشتاق، برخی نقدها و پیشنهادهای سازنده، بازنگری متن و حتی عنوان «همواج» را در انتشار کاغذی، بایسته می‌نمود. از این‌رو، شورای عمومی «همواج»، با دعوت از پژوهشگرانی جدید، در ۲۴ مرداد ۱۳۹۶، نشست سوم خود را در پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان برگزار نمود تا درباره بازتاب‌های انتشار «همواج» گفت‌وگو و رایزنی نماید. از مصوبات این جلسه، بر ترجمه انگلیسی متن «همواج»، ویرایش دوباره متن الفبا، بازنگری در پیشگفتار، بویژه بخش دستور خط (شیوه نگارش) و حذف «تاتی» از عنوان «همواج» بود. به نظر اعضای شورا، «تاتی» مطرح «همواج»، هرچند به گویش ساکنان دره شاهرود خلخال تخصیص و تقلیل یافته، اما ممکن است نام بی‌نی گروه‌های ناهمگن قومی ایران و خارج ایران که اصطلاحاً تات نامیده می‌شوند ولی پیوند تاریخی، فرهنگی و زبانی با تات‌های دره شاهرود ندارند، مشتبه و موجب سردرگمی برخی ناآشنایان گردد. تات‌های دره شاهرود خلخال، و نیز عنبرانی‌های بخش نمین، هرچند در خارج از قلمرو جغرافیای سیاسی استان گیلان، در استان اردبیل ساکن‌اند، اما اشتراکات گسترده و ریشه‌دار تاریخی و بویژه زبانی، آنها را با دیگر تالش‌ها مانند تالش‌های آستارا، جوکندان، اسالم، شاندرمن، ماسال، ماسوله، شفت و ... پیوند داده، و همگان را بازبسته یک قوم اصیل و بزرگ به نام «تالش» نموده‌است که در منابع و متون تاریخی کهن «کادوس» نامیده شده‌است.

این ویژه‌نامه، افزون بر متن منقح «همواج» (الفبا و دستور خط تالشی)، چند مقاله کوتاه، داستان، خاطره، ترجمه متن، شعر، و نیز ترجمه انگلیسی «همواج» را در بر دارد. شیوه نگارش متون تالشی براساس الفبا و دستور خط پیشنهادی است تا الگو و راهنمای عملی مناسبی برای فراگیران و تالشی‌نویسان علاقه‌مند باشد.

بی‌شک، «همواج» اتفاقی تازه و خجسته در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و ادبی تالش است که امکان تکرار آن شاید در آینده به آسانی مقدور نباشد؛ برای نخستین بار پژوهشگرانی فرهیخته، از نواحی و گویش‌های مختلف تالش، حول محور همدلی دور هم جمع شدند تا چاره‌ای برای گذار از آشفتگی در تالشی‌نویسی معاصر ببیند. «همواج» که اینک به وجهی نیکو به بار نشسته‌است، در حقیقت عصاره سلاقی گروهی از اهالی فرهنگ، زبان و ادب تالش با دیدگاه‌ها و پسندهای گونه‌گون بوده که جریان اصلی و مشترک تالشی‌نویسی در چند دهه اخیر را بسامان کرده و آن را از ضایع سلیقه‌های مشترک و دقائق علمی عبور داده‌اند تا علاوه بر ایجاد وحدت رویه، مبتنی بر اصول و قواعد درست نگارش باشد. این رویداد نادر را باید مغتنم شمرد و بر بانیان و اصحاب آن درود فرستاد که برگ زرینی بر تاریخ فرهنگ تالش افزودند.

یقیناً این مجموعه، مانند هر اثر دیگر، از سهو و خطا مصون نیست. پیشنهادها و راهنمایی‌های ارزنده محققان می‌تواند ر اصلاح نواقص و جبران کاستی‌ها ما را یاری کند. با انتشار این اثر که شامل آخرین نسخه بازنگری شده «همواج» است، فایل‌های مجازی قبلی و نیز دیگر اشباه و نظایر احتمالی آن با نام‌های «شاه» در دستم بدل تلقی می‌شوند و از حیث اعتبار و استناد، فاقد ارزش‌اند.

از خانم زهرا غیوری، کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان که زحمت ترجمه انگلیسی متن همواج (الفبا و دستور خط تالشی) را پذیرفتند و به نیکویی از عهده آن برآمدند، از جناب استاد عبدالکریم اصولی تالش که با کمال علاقه، ویرایش متن انگلیسی را به سرانجام رسانیدند، از دکتر علی نصرتی سیاهمزگی که همواره پیشه با نکته‌بینی‌های خود موجب آراستگی و ویرایش این ویژه‌نامه شدند، از دکتر سید هاشم جوادوی، ریاست محترم پژوهشکده گیلان‌شناسی که با عنایت و مساعدت او، جلسات همواج در این شورای آن پژوهشکده به شایستگی برگزار گردید، از جانب خود و همکاران گروه بسیار سپاسگزارم.

در پایان ضمن تقدیر از همه همکاران خوب و عزیزم در گروه همواج، از دکتر احمد رضی ریاست محترم دانشگاه گیلان، دکتر ضیاءالدین میرحسینی معاونت محترم پژوهش و فناوری دانشگاه، مهندس غلامرضا قاسمی ریاست محترم حوزه هنری استان گیلان که با سعه صدر و حسن عنایت و سرمایه‌گذاری مشترک، امکان چاپ و انتشار این مجموعه را به وجهی نیکو و وزین فراهم کردند، از هادی میرزائزاد موحد، رئیس بزرگوار انتشارات فرهنگ ایلیا که با چاپ شایسته این مجموعه در توسعه و تقویت فرهنگ، زبان و ادبیات تالشی سهیم شدند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌کنم و برای همه آرزوی سلامت و بهروزی دارم.

پیشگفتار

تالش منطقه‌ای است قومی در جنوب غربی دریای کاسپین که چونان نواری باریک از رود کورا، در جمهوری آذربایجان تا تنگه سپیدرود، در جنوب استان گیلان گسترده‌است. خط‌الرأس رشته‌کوه تالش در امتداد شمال غربی البرز، با طول ۳۰۰ کیلومتر، چون سدّی این منطقه را در غرب، از استان‌های اردبیل و زنجان جدا می‌کند. مردم این سرزمین به زبان تالشی سخن می‌گویند که گویش‌ها و گونه‌های مختلف دارد.

در طبقه‌بندی زبان‌ها، تالشی را از زبان‌های ایرانی گروه شمال غربی می‌دانند. تالشی را می‌توان در سه گروه شمالی، مرکزی، جنوبی جای داد. ترسیم مرز دقیق زبان‌شناختی گروه‌های سه‌گانه تالشی، با اندکی تسامح همراه است اما راساس برخی ملاحظات زبان‌شناسی، تالشی شمالی، تالشی آن سوی اَرَس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است و ادامه آن در ایران تا کرگان‌رود تالش پیش رفته؛ تالشی مرکزی در گستره نوار طولی ناورود در شمال و شفارود در جنوب رواج دارد؛ و تالشی جنوبی میان شفارود در شمال، رَسَه درود در جنوب متداول است. وجوه تمایز این گروه‌ها در دو سوی مرز که به هم نزدیک‌اند، سه به دو سوی دیگر بسیار کم‌رنگ است. البته در هر گروه گونه‌هایی وجود دارد که از هم متمایزند. بدین ترتیب، از تالشی شمالی، لهجه‌های آستارایی، ویزنه‌ای، عنبرانی، چوبری، جوکندایی، ... و تالشی مرکزی، گونه‌های ناوی، اسالمی، پره‌سری، اردجانی و ... از تالشی جنوبی، لهجه‌های خاشایی، شاندرمنی، ماسالی، ماسوله‌ای، شفتی و ... را می‌توان نام برد (رضایتی کیشه‌خاله و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۷-۵۸).

تاتی عنوانی است برای بخشی از گویش‌های باقیمانده از آذری قدیم که در مناطقی از خلخال، جنوب غرب قزوین، آذربایجان شرقی، جنوب غرب زنجان و تارم علیا، رودبار، الموت و کوهپایه، و مناطقی از شمال خراسان رواج دارد. تاتی خلخال شامل گونه‌های اسکستانی، دروی، کلوری، شالی، گرینی، لردی، گهلی و ... در بخش شاهرود، و گونه کجلی و کرتقی در بخش خورش‌رستم است (نک. سبزه‌لیپور، ۱۳۸۹ الف: ۱۷). این گویش‌ها به گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی تعلق دارند و از تاتی قفقاز و خراسان - که در زمره زبان‌های ایرانی جنوب غربی است - متمایزند. هرچند به نظر بعضی از ایران‌شناسان، گویش‌هایی که گمان می‌رود آخرین بقایای زبان کهن

آذربایجان (آذری) بوده باشند، از دیگر مناطق، از جمله تالش بدین ایالت راه یافته‌اند (نک. هنینگ، ۱۳۷۴: ۷۲-۷۰)، اما به نظر برخی دیگر، فراوانی نسبی و پراکندگی آنها در نقاط مختلف آذربایجان، این احتمال را که این گویش‌ها از نقطه دیگری به این سامان سرایت کرده باشد، منتفی، و اصالت آنها را در این منطقه مسلم می‌سازد (نک. یارشاطر، ۱۳۵۴: ۳۹۷).

گسترش طولی سرزمین تالش در شمال غرب ایران و امتداد آن تا رود کورا در جمهوری آذربایجان و قفقاز از یک سو، و وجود موانع طبیعی و جغرافیایی نظیر کوه، رودخانه و دره از دیگر سو، چنان تنوعی در عرصه گونه‌های زبان تالشی آفریده‌است که امروزه ارتباط گویشوران در برخی مناطق، به‌ویژه نواحی شمالی و جنوبی با یکدیگر به سختی ممکن می‌شود. در عوض تالش‌زبانان جنوبی، و حتی مرکزی با تات‌زبانان خلخال، که در دامنه غربی کوه‌های تالش اقامت دارند، امکان ارتباط بیشتری دارند (رضایتی کیشه‌خاله و دیگران، همان، ۵۷-۵۸). به نظر یارشاطر، لهجه ایرانی خلخال (اتیه‌شهرود) بی‌شک از فروع تالشی جنوبی (لهجه شاندرمن و ماسال) است و از این نظر به تالشی جنوبی پیوسته است (نک. یارشاطر، ۱۳۳۶: ۳۶ و پانوش ۳۷). یافته‌های میدانی سبزه‌لیپور نیز به نوعی مؤید همین نظر است. وی بر اساس مطالعات تطبیقی، لهجه‌های اسکستانی و اسبویی از تاتی شاهرود را گونه‌هایی از تالش معرفی کرده‌است. (نک. سبزه‌لیپور، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۱۰).

به نظر یارشاطر «گویش‌های تالسی با آن‌ها از زبان‌های ساحلی خزرند، اصولاً به زبان‌های تاتی آذربایجان بازسته، و از آن گروه‌اند، چنانکه در بعضی مناطق سرحدی اختلاف آنها بسیار ناچیز می‌شود» (۱۳۵۴: ۶۸). به هر روی، چه تالشی را بازسته تاتی آذربایجان، و چه تاتی آذربایجان را گونه‌ای از تالشی بدانیم، از نظر مطالعات زبان‌شناسی تطبیقی، تالشی و تاتی آذربایجان در اصل گویش‌های باقیمانده از یک زبان‌اند که مشابهت‌های فراوان آوازی، ساختاری و نحوی، آنها را به هم مرتبط ساخته‌است. در مجموعه حاضر، گویش‌های تالشی را در فارو ایران، از جمله تاتی شاهرود خلخال که به لحاظ پیوستگی و ارتباط نزدیک قومی، فرهنگی و زبانی، گه‌نه‌ای از تالشی جنوبی محسوب می‌شود، بررسی شده‌اند.

زبان تالشی با داشتن قدمت و غنای فرهنگی، مانند بسیاری از زبان‌های ایرانی، از سنت و میراث ادبی مکتوب بی‌بهره است. در برخی منابع تاریخی شواهدی از آثار این زبان‌ها، بیشتر به شعر و گاه در عباراتی کوتاه آمده‌است. شمار اندک و سابقه‌نه‌چندان دور این آثار نشان می‌دهد که این زبان‌ها از دیرباز مقهور زبان غالب و ادبیات رسمی فارسی بوده‌اند و مجال بروز ادبی و هنری نیافته‌اند. اغلب جلوه‌های نوشتاری این زبان‌ها در چند دهه اخیر است.

به‌رغم سابقه تالشی‌نویسی پراکنده در دهه‌ها و حتی سده‌های پیشین، که قدیمی‌ترین نمونه آن، اشعار منسوب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی است (نگ. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴)، ادبیات نوشتاری جدید تالشی، درحقیقت با سرودن منظومه «خندیلَه پَشت» شادروان فرامرز مسرور ماسالی در ۱۳۵۲ش رسماً شروع شد. با افزونی دانش نسل جوان، و هویت‌طلبی قومی دانش‌آموختگان و روشنفکران، ادبیات تالشی تقریباً به پختگی در عرصه و عرضه آثار فرهنگی، ادبی و هنری دست یافته و تنوع و گستره آثار مکتوب با شیوه‌های نوشتاری گوناگون، ضرورت تدوین رسم‌الخطی دقیق، و تنظیم یونانه‌های جامع برای وحدت عمل و ارائه مناسب این آثار را اجتناب‌ناپذیر کرده‌است.

آثار ادبی و هنری زبان تالشی، گویش‌های ایرانی، متأثر از زبان فارسی، عموماً با خط و الفبای عربی نوشته می‌شوند این خط، هرچند ظرایف و دقایق آواهای زبان عربی را نیکو نشان می‌دهد، اما در ارائه اصوات زبان فارسی، در دید زبان‌های ایرانی چندان دقیق نیست. ازاین‌روی، ایرانیان از دیرباز تغییراتی در آن داده‌اند. با آن حال، برای برخی آواها، از جمله «یای مجهول»، «واو مجهول» و «واو دولبی» الحرف خاصی نداشتند. برخی از آواها نیز با چند حرف تحریر می‌شده‌است. نارسایی این خط در دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز کم‌وبیش دیده می‌شود.

متون زبان تالشی از دیرباز با همین خط و الفبای عربی - فارسی نوشته می‌شود. نارسایی الفبای موجود و نبود شیوه نگارش معیار، خوانش متون تالشی را در مواردی دشوار کرده‌است. استفاده از خط آوانگار بین‌المللی نیز، نه برای همگان مقدور است، و ضرورت دارد، به‌ناچار طبق سنت گذشته، خط و الفبای عربی - فارسی با تغییراتی مبنای الفبای فارسی، خط تالشی قرار گرفت. بنابراین، در این سند، الفبایی پایه‌گذاری نگردیده، بلکه از امکانات موجود، به نحو مطلوب استفاده شده‌است تا نوشتن و خواندن متون آسان شود.

در تالشی تاکنون الفبا و دستور خطی متناسب با نیازهای نویسندگان و خبرنگاران تدوین نشده‌است که در آن ضمن لحاظ نظر بزرگان پژوهشگر، دانشگاهیان، شعرا، نویسندگان، فرهنگیان و روزنامه‌نگاران، ملاحظات علمی، چارچوب منطقی، و اصل دقت، سادگی و رسانگی هم مراعات شده باشد. از این‌رو، برای نخستین بار بیست‌وپنج تن از اصحاب قلم تالش از نواحی و گویش‌های گوناگون، در پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان گردآمدند و درباره تدوین و تنظیم الفبا و شیوه نگارش تالشی به مشاوره نشستند. با انتخاب کارگروه تخصصی هشت نفره از کارشناسان ادبی و زبانی تالشی شمالی، مرکزی و جنوبی عملاً کار آغاز شد و در فضای مجازی، و گاه نشست

حضور، مرتب و مستمر بیش از یک ماه ادامه یافت. در این مدت، بسته‌هایی از نمونه‌ها، حروف، واج‌ها، آواها و شیوه نگارش واژه‌ها به کارگروه ارائه شد و درنهایت، مشترکات، مختصات و تمایزات گویش‌ها، پس از گفت‌وگو و رعایت ملاحظات علمی، مد نظر قرار گرفت. مسؤولیت هماهنگی کارگروه تخصصی، تنظیم الفبا و دستور خط در چارچوب علمی، و گزارش نهایی کارگروه نیز بر عهده راقم این سطور افتاد که در ضمن انجام وظیفه، پیوسته از مشاوره اعضای محترم کارگروه برخوردار بوده‌است.

گزارش نهایی الفبا و دستور خط تالشی در نشست ۱۳۹۶/۰۳/۰۴، در پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان ارائه شد و پس از بحث و بررسی، و طرح برخی پیشنهادها، کلیات آن با نظر موافق همه حاضرین به تصویب رسید. براساس بیانیه پایانی، پابندی به الفبا و دستور خط آن بر اعضای گروه الزامی است. سیر به نویسندگان و نشریات تالش‌زبان توصیه شده‌است برای یکپارچگی و وحدت رویه، مواد آن را منای نشر آثار خود قرار دهند که ثمره همدلی و همگویی، و عصاره سلیقه‌ها و رویه‌های مختلف پژوهشگران تالش است. الفبا و دستور خط تالشی به پیشنهاد یکی از دوستان صاحب‌ذوق^۱، با عنوان «دین «همواج» موسوم گشت تا با مسمایش هماهنگ باشد. این نسخه به صورت آزمایشی تا یک سال به کار بسته می‌شود و پس از آن، کارگروه تخصصی با دریافت بازخوردها و نظرات اصلاحی و تکمیلی می‌تواند در آن بازنگری کند. استفاده پژوهشی از این سند برای همه، البته با ذکر مأخذ آزاد است.

خط و حرف و الفبا با واج و آوا، رابطه «عمر» و «خصوص» من وجه» دارند و دقیقاً با هم رابطه متناظر و یک‌به‌یک ندارند. بی‌گمان در تدوین خط و الفبا هر زبانی شایسته است دانش زبان‌شناسی، به‌ویژه آواشناسی و واج‌شناسی در کنار دانش ادبی قرار گیرد وگرنه هر تلاشی در این باره ابر است. بنابراین، حرف‌نویسی و واج‌نویسی نیست، چنانچه آوا و واج هم نیست. با این حال، بسیاری از حرف‌ها و نشانه‌ها ارزش آوایی و واجی دارند. «های بیان حرکت» و «واو بیان حرکت» صرفاً ارزش خطی و نویسه‌ای دارند. ضمّه و واج‌های نرم فقط در برخی از نشانه‌های تالشی ارزش واجی دارند. برخی از واج‌ها و آواها در مجموعه حروف الفبا، دارای بیش از یک نشانه‌اند، اما برخی دیگر نماینده‌ای ندارند و به‌ناچار آنها را با نشانه‌های فرعی نشان داده‌ایم.

در این مجموعه، برای نخستین بار برای واج‌های نرم در الفبای تالشی نشان برگزیده شده‌است. پیش‌تر، این واج‌ها صرفاً در آوانویسی مشخص می‌شدند. در برخی از گونه‌های تالشی هفت حرف نرم یا کامی شده هست که هویت واجی دارند و عموماً در جایگاه دندانی یا لثوی قرار می‌گیرند. با

۱. آقای آرمن فریدی هفت‌خوانی، از هنرمندان صاحب‌نام موسیقی تالش

قرار دادن «ن» بالای این حروف، این ویژگی را در خط نشان داده‌ایم. مصوت بسته میانی (i) با «و» مشخص شده‌است. مصوت میانی شوا (ə) کم‌وبیش در همه گونه‌های تالشی دیده می‌شود. آن را در خط با نشانه «z» در بالای صامت مشخص کرده‌ایم. مصوت‌های کوتاه a, e, ə پایانی با «های بیان حرکت» همراه شده‌اند، چنانکه مصوت کوتاه o پایانی با «واو بیان حرکت» متمایز گشته‌است. از آنجاکه مصوت‌های مرکب، دوواجی محسوب می‌شوند (نک. لازار، ۱۳۸۳: ۴۴۱)، و واج دوم آنها صامت است، بدانها در تدوین خط و الفبای تالشی نپرداخته‌ایم.

جایگاه آغاز، میان و پایانی همه حروف (اعم از صامت و مصوت) در جدولی با ذکر شاهد آمده‌اند. این مرآه‌آویز زبان تالشی را برای نوآموزان، به‌ویژه ناآشنایان آسان‌تر می‌کند. شیوه نگارش واژه‌ها (اعم از ساده و مشتق، مرکب) با اسلوبی روشن در ۳۷ بند با نمونه و شاهد از گویش‌های سه‌گانه تالشی آمده و درست‌نویسی و رعایت فاصله‌گذاری و نیم‌فاصله‌ها را در اجزای واژه‌ها به‌روشنی آموزش داده شده و شیوه تحول واژه‌های دخیل و چگونگی نوشتن آنها در ۱۲ بند با نمونه‌هایی مشخص شده‌اند.

این مجموعه، دقیق‌ترین، روشمندترین و گسترده‌ترین دستور خطی است که تاکنون برای تالشی نوشته شده و در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر است. شالوده‌اش بر مبانی و اصول علمی نهاده شده. بی‌اغراق اثری ستودنی و جاودانی است. امید که از باد و باران گزندگی نبیند. اگر برگ و بارش به دلیلی فرو ریزد، یقیناً با نشر آسب نمی‌بیند و در بهاران از نو به برگ و بار می‌نشیند و سایه می‌گسترند.

در پایان از یکایک اعضای محترم گروه که در تشکیل این مجموعه نقش داشتند، سپاسگزاری می‌کنم، به‌ویژه از دوستان فاضل و اندیشمند کارگروه تخصصی، به‌خصوص از آقایان دکتر سبزه‌علی‌پور، دکتر بختیاری و دکتر نصرتی عزیز. یقیناً همدلی و همفکری آنها بود که این مجموعه را در کسوت مطبوع و دل‌نشان در چشم بینندگان آراست و مقبول طبع علاقه‌مندان نمود. این کتاب عمومی از رقعات «همواج» را بر فضل و بلاغت راقم این سطور حمل نتوان کرد، بلکه چون رشحات اندیشه بزرگان و اهل قلم این قوم در سرتاسر آن تبلور یافته، و فضلا را در آن به عین عنایت نظر بوده و تحسین بلیغ نموده‌اند، لاجرم كافة انام از خواص و عوام تالش به قبول آن گراییده‌اند.

بماند سال‌ها این نظم و ترتیب
ز ما هر ذره خاک افتاده جایی
غرض نقشی است کز ما بازماند
که دنیا را نمی‌بینم بقایی